

"بخرد" یا قانون سال ۱۹۸۸ سوئد که استفاده از پرونوگرافی کودکان را به هر شکل ممنوع ساخته است از جمله نتیجه‌ی اقدام و حضور زنان در رده‌های بالای تصمیم‌گیری در جامعه‌ی سوئد است.

اعتقاد عمومی در سوئد بر آن است که زمانی که مردان، چه به صورت فردی و چه به عنوان اکثریت قوی، دارای قدرت مطلق در جامعه باشند بیش‌تر توجهشان معطوف به ارضای خواست‌ها و نیازهای خود و همجنس‌انسان است یا حداقل مسائل را فقط از دید مردانه نگاه می‌کنند به فکر آسیب‌پذیری کودکان و زنان نیستند. در سوئد آنچه که در بسیاری از نقاط جهان، با یک تلقی مردانه "طبیعی" شمرده می‌شد، ناگهان به شدت مورد سؤال و حمله قرار گرفت. آنچه زنان را در راه این جنبش‌ها تشویق کرد آن بود که در فرایند مبارزه با روسپیگری و خشونت علیه زنان و حملات و توهین‌های جنسی که نسبت به زنان در هر جامعه‌ای اعمال می‌شود، مورد حمایت اکثر نمایندگان پارلمان که آن زمان ۴۰ درصدشان را زنان تشکیل می‌دادند قرار گرفتند. زمانی که در سال ۱۹۹۸ پارلمان سوئد قانون مجرمیت مشتریان فحشا را به تصویب رساند آرای موافقین ۱۸۱ در مقابل ۹۲ رأی مخالف بود.

رسیدن به این مرحله‌ی تاریخی دشوار بود. در سال ۱۹۷۱ کمیته‌ای از سوی پارلمان، مسئول تهیه‌ی گزارش "جرائم جنسی" شد. اعضای این کمیته مرکب از هفت مرد و یک زن بودند و ریاست آن را نیز یک مرد به عهده داشت. سوئد دهه‌های متمادی بود که به عنوان کشور "عشق آزاد" معروف شده بود، مردم در دیگر کشورها از گناه به شیوه‌ی سوئدی سخن می‌گفتند و آزادی و بی‌بندوباری مطلق جنسی محور مباحث بسیاری از تندروهای ضداخلاق در این کشور بود. تهیه‌کنندگان گزارش جرائم جنسی در سال ۱۹۷۲ با ترکیب مردانه‌ای که ذکر شد با مطالعات و بررسی‌هایشان به این نتیجه رسیدند که دولت نباید هیچ‌گونه دخالتی در زندگی جنسی مردم داشته باشد و آن را مرحله‌ی جدیدی از "تحمل" خواندند. ولی وقتی که گزارش تصریح کرد که این "تحمل" باید شامل تجاوزات جنسی نیز باشد و چنانچه تجاوز "خیلی آسیب‌زننده نباشد" متجاوز باید صرفاً جریمه‌ی مالی شود، ناگهان زنگ خطر برای زنان سوئدی به صدا درآمد و آنان را بیدار کرد. آنچه قرار بود "حقوق آزادی جنسی" باشد تبدیل به "آزادی مطلق جنسی مردان" شده بود. در این گزارش هیچ‌گونه اعتراضی نیز به پدیده‌ی روسپیگری که در آن زمان در سوئد قانونی بود نشده بود. آیا واقعاً منطقی بود که هفت مرد و یک زن درباره موضوعی به این مهمی تصمیم‌گیری کنند؟

از آن به بعد بازار مناظرات در کلیه‌ی محافل کشور بسیار داغ شد. مناظرات و مباحثی که اصولاً و به طور ریشه‌ای دیدگاه مردم را نسبت به مسائل جنسی تغییر داد. موضوعاتی چون روابط آزاد، تجاوز، فحشا، زنا، با محارم، خشونت علیه زنان، کتک زدن همسران و روابط نامشروع از مسائلی بودند که از خلوت خانه‌ها و لایه‌لای پرونده‌های قضایی به صحنه‌ی مناظرات ملی کشانده شد. زنان در این جریان‌ها اهداف خود را دستیابی به تساوی سیاسی و اقتصادی و در عین حال مبارزه با خشونت علیه زنان برمی‌شمردند. تقاضا برای ایجاد نهادی سیاسی و عمومی فعالانه بالا گرفت. روسپیگری به عنوان نمادی از استضعاف زنان شناخته شد که باید با آن مبارزه می‌شد.

مبارزین اولین هدف خود را مردود شناخته شدن "گزارش جرائم جنسی" و تعیین کمیته‌ی جدیدی با اکثریت اعضای زن یا حداقل تعداد مساوی زنان و مردان برای تهیه‌ی گزارش اعلام کردند که در راهپیمایی و تظاهرات پی‌درپی بیان می‌شد و بالاخره هم به پیروزی رسید. در سال ۱۹۷۷ وزیر عدالت وقت، گزارش جرائم جنسی را فاقد ارزش و ملغی اعلام و دو کمیته‌ی جدید با اکثریت تعداد اعضای زن یکی به عنوان "کمیته‌ی جرائم جنسی" و دیگری "گزارش ویژه‌ی روسپیگری" (که ریاست کمیته‌ی

اخیر را نیز یک زن به عهده داشت" را مأمور بررسی موضوع نمود. کمیته‌ی ویژه‌ی روسپیگری در سال ۱۹۸۱ نتایج مطالعات خود را منتشر کرد که جامع‌ترین گزارش در نوع خود به شمار می‌آمد و شامل ۷۰۰ صفحه تحقیق کاملاً علمی بود به طوری که امروزه پس از گذشت ۲۰ سال هنوز هم کاملاً قابل اتکا و نسخه‌برداری است. در این گزارش با تعداد بسیار زیادی از زنان روسپی مصاحبه شده است. تاریخچه‌ی روسپیگری در جهان و در سوئد و به‌خصوص در جوامع مردسالار مورد بررسی علمی قرار گرفته است. این گزارش دولتی که در نوع خود در جهان بی‌نظیر است به کلیه‌ی جنبه‌های رماتیکی، احساسی و یا دلسوزانه‌ی روسپیگری خاتمه داد، روسپیگری صرفاً

یعنی خشونت و استضعاف و آسیب‌پذیری بی‌پایان زنان به اضافه‌ی مواد مخدر و جنایت، قدرت و سلطه‌ی باندهای مافیایی، کالا قلمداد کردن زنان و بالاخره وجود مردانی که خریدار کالا از ضعیف‌ترین اقشار جامعه برای ارضای نیازهای غیراخلاقی خود و اثبات قدرت دروغین مردانگی خود می‌باشند. به بخشی از این گزارش توجه فرمایید:

«خیابان یک بازار آلوده است که کالای مورد نظر در آن به وضوح در معرض دید مشتریان قرار گرفته است. مردان و زنان با یکدیگر دیدار کرده و راجع به آنکه مرد چه می‌خواهد و قیمت چقدر است مذاکره می‌کنند. روی مبلغ توافق می‌شود. اصطلاح Torsk به کرات در میان خریدار و فروشنده استفاده می‌شود - Torsk نام زن روسپی برای مرد مشتری است Torsk. در حقیقت یک حیوان ضعیف است. حیوانی که می‌توان به دام انداخت و اسیرش نمود. از سوی دیگر مرد نیز به عنوان مغبون است چون علاقه و عاطفه‌ای نخواهد دید. زنان در اوج سرخوردگی و عصبانیت مردان مشتری خود را متقابلاً Torsk می‌نامند: یک Torsk مردی است که زن روسپی حقیرش می‌داند و نه می‌خواهد و نه می‌تواند رابطه‌ی احساسی با او داشته باشد.»

گزارش ویژه‌ی روسپیگری موجب تغییر قانون نشد. روسپیگری همچنان قانونی بود اما منجر به آگاهی و بیداری شد و مؤسسات و گروه‌های بسیاری را برای تشویق زنان روسپی به ترک این حرفه سازماندهی کرد. دبیر کمیته‌ی گزارش روسپیگری خانم هانا اولسون از مسئولین هیئت ملی بهداشت و رفاه سوئد بود که به مدت چهار سال برای تهیه‌ی این گزارش با صدها روسپی مصاحبه کرد و بخش اعظم گزارش حاصل نوشته‌های اوست. او در سال ۱۹۹۰ کتابی را منتشر کرد که تأثیر عمیقی بر تمامی ملت برجای گذارد. کتاب او با عنوان "کاترین و عدالت" (Catrin och rttvisa) راجع به یک روسپی معتاد به نام کاترین است که در سال ۱۹۸۴ به قتل رسید و از خاطره‌ها محو شد. قطعات بدن وی در کیسه‌های سیاه زباله ریخته شده و در زیر پل‌های استکهلم انداخته شده بود. کتاب، راجع به زندگی کاترین و دو پزشکی است که متهم به قتل او بودند و در حقیقت به نوعی ادامه، گزارش ویژه است که عمیق‌تر و عمیق‌تر به کند و کاو در بخش‌های تاریک انسانیت و محیط زندگی روسپیان می‌پردازد. در بخشی از این کتاب آمده است:

"در طول تاریخ همواره این زن است که بی‌حرمت شده، آبرویش بر باد رفته، بی‌عفت و ناپاک قلمداد شده، بدنام بوده و پیشانی خویش را لکه‌دار کرده است. ولی جنس مذکر در حالی که همیشه عامل اصلی بوده، از هرگونه آلودگی میرا دانسته شده و قدرت کنترل، زداپندگی و حقارت‌های اجتماعی همواره به سوی زنان نشانه‌گیری شده است."

در انتخابات سال ۱۹۹۴ رأی دهندگان سوئدی، زنان بیش‌تری را برای نمایندگان پارلمانی برگزیدند. بیش‌تر از تمام مجالس قانون‌گذاری دنیا در این سال ۴۱ درصد نمایندگان مجلس را زنان تشکیل می‌دادند. در انتخابات سال ۱۹۹۸ این نسبت به ۴۳ درصد افزایش یافت. یکی از موضوعاتی که زنان نماینده و نیز دولت، مصمم به پیگیری و طرح جدی آن بودند موضوع خشونت علیه زنان در کلیه‌ی شکل جسمی، جنسی و روحی بود. این واقعیت از تعداد طرح‌ها و لوایح مطروحه در مجلس در این باره مشخص است. نتیجه‌ی

مطالعات سیاسی در سوئد حاکی از آن است که حضور بیش‌تر زنان در پارلمان به طور کلی چهره سیاسی کشور را دگرگون ساخته است.

اعتقاد عمومی در سوئد بر آن است که زمانی که مردان، چه به صورت فردی و چه به عنوان اکثریت قوی، دارای قدرت مطلق در جامعه باشند، بیش‌تر توجهشان معطوف به ارضای خواست‌ها و نیازهای خود و همجنس‌انسان است یا حداقل مسائل را فقط از دید مردانه نگاه می‌کنند.

کلیه این اقدامات لایحه‌ی قانونی دولت موسوم به "امنیت برای زنان" [SOU] در سال ۹۸-۱۹۹۷ بود که عبارتست از مجموعه‌ای از قوانین پیشنهادی در قالب یک لایحه که هدفش تعیین معیارهای توقف خشونت علیه زنان، روسپیگری و سوء استفاده جنسی در محیط‌های کار و زندگی بود. قانون جدید

ضد روسپیگری بخشی از این لایحه است و در سومین گزارش ویژه روسپیگری که در سال ۱۹۹۵ تحت عنوان "تجارت سکس" منتشر شد، پیشنهاد شده بود. در سومین گزارش اشاره شده بود که شیوع روسپیگری در سوئد به شدت و گستردگی دیگر کشورهای اروپایی نیست. از نظر تحلیل‌گران دلیل اصلی این امر اولاً سیستم رفاه عمومی خاص موجود در سوئد است که در نتیجه زنان، اجبار کم‌تری برای خودفروشی به دلیل مضرات اقتصادی دارند، ثانیاً نظر متفاوتی است که سوئدی‌ها نسبت به این پدیده، به خصوص طی دهه‌های اخیر پیدا کرده و آن را مذموم می‌دانسته‌اند. دلیل عمده دیگر می‌تواند حرکت همه‌جانبه‌ی سوئد به سوی جامعه با مساوات بیش‌تر در کلیه زمینه‌ها بین زنان و مردان باشد و نیز وجود برنامه‌های مؤثری که برای کمک به روسپیان تدارک دیده شده است.

در سال ۱۹۹۷، حدود ۲۵۰۰ روسپی در سوئد وجود داشت و تعداد زنان خیابانی ۶۵۰ نفر بود. هر زن به طور متوسط ۵۰ مشتری داشت. این بدان معناست که سالانه حدود ۱۲۵ هزار مرد در سوئد خریدار خدمات نامشروع بوده‌اند. سوئد کشور آمارهای دقیق و علمی است. به این ترتیب به طور تقریبی ۱۰ تا ۱۳ درصد مردان در سوئد مشتری زنان روسپی بوده‌اند. این خریداران، از میان کلیه‌ی اقشار و طبقات اجتماعی و از نظر موقعیت زناشویی الگوی کوچکی از جامعه‌ی کل سوئد محسوب می‌شده‌اند. ولی طبق گزارش سوم تفاوتی که این گروه با دیگر مردان سوئدی داشته‌اند نگرش متفاوت این مردان نسبت به زنان بوده است. در گزارش، تصریح شده است:

"اشکال جدیدی از روسپیگری به طور مداوم ظاهر می‌شود. یکی از اشکال جدید، عضویت در کلوب‌هایی است که انواع این‌گونه خدمات را ارائه می‌دهند از پرونوگرافی تا ارائه‌ی آدرس روسپیان حرفه‌ای در دیگر کشورها و تا برقراری رابطه. به عبارتی یک بازار تمام‌عیار از تجارت سکس. انواع جدیدی نیز از طریق اینترنت و ویدئو در حال رواج است. صنعت سکس در حال توسعه است و از توسعه‌ی تکنولوژیک نهایت بهره‌برداری را می‌کند. تعداد آگهی‌های تبلیغاتی منتشره در روزنامه‌ها درباره سالن‌های ماساژ و مثال‌هم که خدمات جنسی ارائه می‌دهند به شدت در حال افزایش است." پس از تخریب دیوار برلین و فروپاشی کمونیسم در اروپای شرقی، مهاجرت روسپیان از این کشورها به سوئد، سرعت روزافزونی یافت. همچنین تعداد معتادین به مواد مخدر به شدت در حال افزایش بود. حدود نیمی از این زنان دچار مشکلات اعتیاد و یا انواع دیگر انحرافات و بیماری‌ها بودند. لذا زمانی که این قانون در سوئد مورد بحث بود، سوئدی‌ها در حال تجربه‌ی افزایش تعداد زنان روسپی و گسترش مضرات اجتماعی و اخلاقی آنان در جامعه‌ی خود بودند.

در سال ۱۹۷۲ گروهی از اعضای پارلمان سوئد پیشنهاد کرده بودند به منظور کنترل و نظارت بر مسائل روسپیان و تأثیرات آن بر جامعه، دولت سوئد اقدام به تأسیس محلات ویژه کند. تقریباً هم‌زمان با نخستین گزارش جرائم جنسی، سخن از بالا بردن آستانه‌ی تحمل نسبت به پدیده‌ی روسپیگری و تجاوزات جنسی به میان آمده بود. اما فریاد اعتراض زنان سوئدی این تفکرات را در نطفه خفه کرد. هرچند ۲۷ سال طول کشید تا اوضاع و نحوه‌ی تفکر عمومی در این باره ۱۸۰ درجه تغییر کرده و به ممنوعیت مطلق خرید خدمات جنسی، آن هم بدون قربانی کردن زنان، بینجامد. تابویی که باید همیشه وجود می‌داشت. این که هیچ‌کس نمی‌تواند زنان یا کودکان را ملعبه و کالای قابل خرید و فروش بداند. چنین پدیده‌ای شایسته‌ی یک نظام دموکراسی نیست. سوئدی‌ها می‌توانند به حق به دستاورد بی‌نظیر خود در زمینه‌ی کنترل و ممنوعیت روسپیگری نه فقط در قالب قانون و مجازات - بلکه با بسترسازی‌های مناسب اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی و نیز کنترل و مجازات مردان به عنوان خریداران و طرف‌های اصلی در این تجارت مذموم و پلید ببالند.

پی نوشت:

بخش دوم: زنان، اقتصاد و مشارکت در مدیریت و برنامه‌ریزی

مؤلفان ایرانی

کنفرانس نایروبی:

این کنفرانس در نایروبی پایتخت کنیا، در فاصله زمانی ۱۵ الی ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۵، تحت عنوان برابری، توسعه و صلح جهت بررسی و ارزشیابی دهه سازمان ملل برای زنان و پیشرفت آینده‌ی آنان برگزار شد. در این سند اصولی در رابطه با برابری، توسعه، انرژی، صلح، موارد خاص نگران‌کننده و همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، جهت افزایش حضور و مشارکت بیشتر زنان، مطرح شد که به تصویب ۱۵۷ کشور شرکت‌کننده، بدون حتی یک رأی منفی، رسید. اصول ۸۶ تا ۹۲ این سند، اختصاص به برابری در مشارکت و تصمیم‌گیری بین زنان و مردان دارد. در اصل ۸۷ این سند آمده است که: دولت‌ها و سایر کارکنان و شاغلان باید به دسترسی وسیع و مناسب‌تر زنان به مدیریت و به‌کارگیری آنان در قسمت‌های مختلف مشارکت‌های عمومی توجه ویژه داشته باشند که عامل قابل ملاحظه‌ای در توسعه و تشخیص حقوق تمامی بشریت است. در اصل ۸۹ آمده است: «دولت‌ها باید به طور مؤثر و قاطعانه مشارکت زنان را در تصمیم‌گیری‌های در سطح ملی، دولتی و محلی، از راه موازین و مقررات اداری، تأمین کنند. همچنین در اصول این سند تأکید فراوانی به برابری در مشارکت‌های سیاسی و مدیریتی بین‌المللی و منطقه‌ای شده است. (اصول ۲۵۶ تا ۳۶۵ این سند).

در اصل ۳۵۶ آمده است: «سیستم سازمان ملل باید تمامی موازین و مقررات لازم جهت دستیابی به توازن مناسب بین زنان و مردان در سطوح مدیریتی و حرفه‌ای در تمام مناطق متکی به خود را در پست‌های حساس به کار گیرد.» در قسمتی از اصل ۳۵۸ نیز چنین آمده است: «تمامی تشکیلات و سازمان‌های سازمان ملل باید کلیه‌ی موازین و ضوابط ممکن را جهت رسیدن به مشارکت زنان در شرایط برابر با مردان در تمامی سطوح تا سال ۲۰۰۰ به کار گیرند.»

اصل ۳۶۰: «مشارکت زنان در پیشبرد صلح و مبارزه علیه موانع موجود در سر راه صلح در سطح جهان باید تشویق و ترغیب شود. شبکه‌ی زنان در سطوح تصمیم‌گیری‌های سطح بالا مربوط به صلح و خلع سلاح، شامل رهبران زن، محققان زن و اساتید نیز باید در رابطه با فعالیت‌های سازمان ملل، مانند سال جهانی صلح (۱۹۸۶)، مورد تشویق قرار گیرند.»

اصل ۳۶۳: «دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی باید برنامه‌های آموزشی منظم به منظور بهبود وضعیت زنان و توسعه‌ی دسترسی آن‌ها به کیفیت بهتر حضور خود در پست‌های مدیریتی و در بخش‌های اشتغال یا خوداشتغالی و مستقل را سازماندهی کنند.»

اصل ۳۶۵: «سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و محلی باید از طریق تزریق

خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی و اقتصادی جوامع نقش عمده‌ای و اساسی در رشد و اعتلای فرهنگی و اقتصادی افراد و در نهایت کل جامعه ایفا می‌کند. هر فرد نخستین برداشت خود را از نقش اجتماعی، اقتصادی، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی در خانواده فرامی‌گیرد. زنان به عنوان محور و برنامه‌ریز اصلی خانواده در رشد فرهنگی و اقتصادی آن و به طبع اقتصاد و فرهنگ جامعه و نیز آموزش نسل بعد جامعه تأثیر به‌سزایی دارد. کاهش هزینه‌های خانواده از طریق مصرف بهینه و کاهش ضایعات، کمک به افزایش درآمد (در رابطه با زنان شاغل) و تنظیم مخارج با درآمد خانواده و به طور کلی رفع نیازمندی‌های خانواده با امکانات موجود، حل مسائل تحصیلی و آموزشی فرزندان و ... نشان از قدرت مدیریت و برنامه‌ریزی بانوان دارد که هرچند در اقتصاد خود لحاظ می‌شود ولی تأثیر بزرگی بر اقتصاد کل جامعه می‌گذارد. حال سنوآل اینجاست، آیا زنان با چنین توانایی بالایی در حل مشکلات مجموعه‌ی کوچک خانواده، با دیدن آموزش و گذراندن دوره‌های دانشگاهی لازم، توان حل مشکلات اقتصادی و مدیریتی و برنامه‌ریزی در سطوح کلان جامعه و حتی در سطح بین‌المللی را ندارند؟

مطالعه‌ی کشورهای مترقی، جهان‌بینگر این واقعیت است که این کشورها در استفاده از این منبع عظیم نیروی انسانی در همه‌ی ابعاد بسیار فراتر از کشورهای در حال توسعه هستند و از توان فکری و عملی آنان در جهت افزایش رشد و توسعه‌ی جامعه‌ی خود بهره می‌جویند. در مقاله‌ی زیر به وضعیت زنان در اقتصاد و مشارکت آنان در مدیریت و برنامه‌ریزی در سطح کلان جامعه و بررسی چند سند بین‌المللی در این خصوص خواهیم پرداخت. نخست خلاصه‌ای از اسناد چند کنفرانس بین‌المللی:

منشور ملل متحد:

مطالب زیر قسمت‌هایی از منشور سازمان ملل درباره‌ی برابری جنسیتی است: «... با اعلام مجدد ایمان خود به حقوق اساسی بشر و به حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و به تساوی حقوق مرد و زن و همچنین بین ملت‌ها اعم از کوچک و بزرگ ... برای پیشبرد ترقی اقتصادی و اجتماعی تمام ملل مصمم شده‌ایم. حصول همکاری بین‌المللی در حل مسائلی که دارای جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و یا بشردوستانه است و در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان، بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب، به عنوان یکی از اهداف شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل مطرح شده است.»

منابع اضافی انسانی و مالی و از طریق ابقای زنان بیش تر در سطوح سیاستگذاری و تصمیم گیری تقویت شوند.

کنفرانس قاهره:

در این کنفرانس، که تحت نام کنفرانس بین المللی جمعیت و توسعه در قاهره پایتخت مصر در نوامبر ۱۹۹۴ برگزار شد، به موارد بسیار متعددی از جمله رشد اقتصادی و توسعه ی پایدار، برابری و عدالت جنسیتی و تواناسازی زنان، نقش خانواده و حمایت های اجتماعی و اقتصادی از آن، مدیریت برنامه ها، توسعه ی منابع انسانی و بسیج و تخصیص آن منابع و ... اشاره و راهکارهای عملی برای آن مطرح شده است. در بخش اقدامات ملی قسمت مدیریت برنامه ها و توسعه منابع انسانی، هدف اساسی این چنین ذکر شده است: «ایجاد قابلیت و خودکفایی در کشور برای اینکه بتوانند در سطح ملی اقدامات هماهنگ در جهت ترویج و بهبود رشد اقتصادی پایدار، پیشبرد توسعه ی ملی پابرجا و ارتقاء کیفیت زندگی مردم خود، به عمل آورند.» همچنین یکی از اهداف ذکر شده در این سند به شرح زیر است: «گنجاندن نقطه نظرهای استفاده کنندگان و ابعاد جنسیتی در برنامه های آموزشی و حصول اطمینان از حضور، انگیزه و ابقاء افراد دارای آموزش مناسب، همچنین زنان، برای تنظیم، اجرا، پایش و ارزشیابی استراتژی ها، سیاست ها، طرح ها و برنامه های ملی.»

در این سند برای اجرای طرح فوق، اقداماتی مطرح می شود که به بعضی از آن ها که مرتبط به مشارکت زنان در مسائل مدیریتی، تصمیم گیری و اقتصادی است اشاره می شود:

۱- تنظیم و اجرای برنامه های توسعه ی منابع انسانی، به نحوی که به وضوح به نیازها، استراتژی ها، سیاست ها، طرح ها و برنامه های جمعیت و توسعه پیروزد و با بذل توجه خاص به تحصیلات پایه، آموزش و اشتغال زنان در کلیه سطوح، به ویژه در سطوح مدیریت، تصمیم گیری و گنجاندن نقطه نظرات استفاده کنندگان از برنامه و نظریات جنسیتی از طریق برنامه های آموزشی، به عهده گرفته شود؛

۲- بهینه کردن حقوق و دستمزد و موارد مربوطه و مناسبات و شرایط کاری جهت حصول یقین از پرداخت مزد برابر در مقابل کار یکسان به وسیله ی مردان و زنان و ابقا و ترفیع مدیران و کارکنان فنی که در برنامه های جمعیت و توسعه مشارکت دارند؛

۳- تهیه و نگهداری بانک های اطلاعاتی از سوابق متخصصان و مؤسسات ممتاز ملی جهت به کارگیری قابلیت های ملی با توجه به امر گنجاندن زنان و جوانان در آن.

کنفرانس جاکارتا:

اجلاس وزرای شرکت کننده در دومین کنفرانس وزرای آسیا و پاسفیک (ESCAP) توسط کمیسیون اقتصادی و اجتماعی ESCAP، به میزبانی

اندونزی، در تاریخ ۱۳ و ۱۴ جون ۱۹۹۴ تحت موضوع زن و توسعه، برگزار شد. مطالعه و ارزیابی استراتژی های اجلاس ناپروبی و همچنین هدایت و آماده سازی چهارمین کنفرانس زنان در پکن (اجلاس بعدی) از موضوعات مورد بررسی این اجلاس بوده است. همچنین محور اصلی موضوع این اجلاس، رشد کمی و کیفی بانوان جهان در مواردی مثل آموزش، اقتصاد، بهداشت، برابری، بررسی مشکلات و نارسایی های موجود برای زنان و ارائه ی راهکارهای عملی برای رفع این مشکلات بود. در بخش ارتقا دسترسی و مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی، با هدف تضمین دسترسی آنان به خدمات و منابع و مشارکت در نهادهای اقتصادی، موارد زیر لحاظ شده است:

- ۱- برنامه ریزی، سیاست گذاری و پیاده سازی با در نظر گرفتن جنسیت ها؛
- ۲- قابلیت رویت و به رسمیت شناختن فعالیت های اقتصادی زنان؛
- ۳- دسترسی به اطلاعات، مهارت ها و دانش برای کسب فرصت های اقتصادی؛
- ۴- سمت دهی توجهات زنان به توسعه ی کشاورزی و روستایی؛

۵- زنان در صنعت و تجارت؛

۶- زنان در بخش غیررسمی؛

۷- کارگران مهاجر زن؛

۸- کارآموزی و توسعه.

اقدامات زیر بخشی از راهکارهای رسیدن به اهداف فوق است که در این سند ثبت شده است:

۱- تخصیص منابع در سطوح کلان، بخشی یا پروژه هایی که باید به صورت کافی منعکس کننده ی هزینه ها و منافع اجتماعی زنان باشد؛

۲- اشتغال و درآمدزایی برای زنان باید با ارتقا شرایط کاری و رفاه زنان پا به پای مردان پیش رود. کیفیت اشتغال باید از طریق مرور، تصحیح و پیاده سازی کارآمد قوانین کار، جهت از میان برداشتن تبعیض های مبتنی بر جنسیت ها و ارتقای برابری فرصت ها و برخورد ها و نیز از طریق ایمنی شغلی و شاخص های بهداشتی بهبود یابد؛

۳- باید اقداماتی جهت تهیه ی اطلاعات آماده درباره ی فرصت های اقتصادی، شامل مسائل مربوط به تکنولوژی پردازش و تولید و نیز بازاریابی، جهت دسترسی زنان به آن ها انجام شود؛

۴- باید اقداماتی جهت تضمین رعایت حقوق کامل زنان نسبت به زمین، بر مبنای مساوی با مردان، در رابطه با حقوق کاربری و مالکیت و امنیت تصدی و حفظ این برابری تحت شرایط کمبود زمین و توزیع مجدد زمین انجام پذیرد؛

۵- باید تلاش های خاصی جهت تهیه ی تسهیلات برای زنان با توان دسترسی برابر بر اعتبارات، داده ها، تکنولوژی و خدمات اضافی و تضمین پرداخت مساوی به زنان در بخش کشاورزی صورت پذیرد؛

۶- دولت ها باید تضمین کنند که زنان در بخش صنعتی دسترسی برابر به کلیه ی سطوح بازار کار، از طریق توسعه ی مهارت های برابر و ارتقای تکنولوژی داشته باشند، و اصل پرداخت برابر برای کار برابر در تمامی حوزه های اشتغال پیاده شود؛

۷- سازمان های تجاری، مانند اتاق بازرگانی، باید به تشویق و ارتقای زنان سرمایه گذار بپردازند؛

۸- بهبود بخشیدن به دسترسی زنان خوداشتغال به اعتبارات سیستم های بانکی و مالی؛

۹- تسهیل دسترسی به اطلاعات، تکنولوژی و دانش و نیز شبکه های بازاریابی رسمی موجود در بخش های داخلی و صادرات به منظور تضمین حفظ و تداوم سرمایه گذاری های زنان؛

۱۰- ارتقای مهارت های سرمایه گذاری و مدیریت در میان زنان؛

۱۱- ارتقای مشارکت زنان در تمامی زمینه های آموزش فنی و حرفه ای و کمک به اشتغال زنان آموزش دیده؛

۱۲- فراهم آوردن امکانات لازم برای زنان به منظور دسترسی برابر به مهارت های کاری و پیشرفت شغلی، هم در بخش دولتی و هم خصوصی.

در این سند، بخشی تحت عنوان حمایت از دسترسی برابر زنان به قدرت و تصمیم گیری لحاظ شده است که هدف زیر را تعقیب می کند:

تقویت عواملی که مشارکت کامل و برابر زنان را در ساختار قدرت و تصمیم گیری در تمامی سطوح ارتقا بخشند و جایی که ضرورت اقتضا کند، سمت دهی مجدد توجهات، عملکرد و اختیارات نهادهای رسمی و غیررسمی و تشویق زنان و مردان به کار با یکدیگر برای ایجاد جامعه ی انسانی تر

و صلح آمیز.

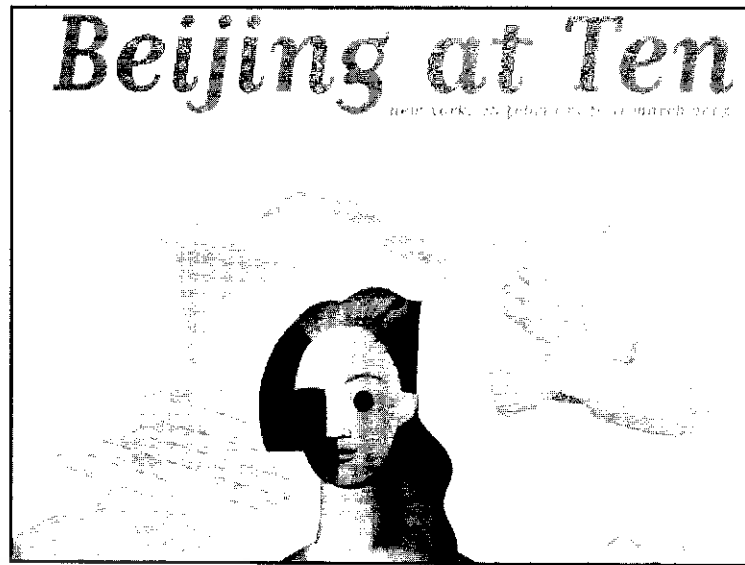
اقداماتی که باید انجام گیرد:

- ۱- درصد زنان شاغل در دستگاه های قانون گذاری و وزارتخانه ها در تمامی سطوح، به میزان حداقل ۲۰ درصد تا سال ۲۰۰۰، افزایش یابد؛
- ۲- از دولت ها خواسته شده که تمرکززدایی در تصمیم گیری را جهت تضمین مشارکت بیش تر زنان به رسمیت شناسند؛
- ۳- تلاش هایی باید صورت پذیرد تا حضور زنان به صورت برابر در تمامی

در سند کنفرانس قاهره اقداماتی مطرح می شود که با مشارکت زنان در مسائل مدیریتی، تصمیم گیری و اقتصادی مرتبط است.

در سند جاکارتا تأکید شده است که اشتغال و درآمدزایی برای زنان باید با ارتقای شرایط کاری و رفاه زنان پایه پای مردان پیش رود.

دستگاه‌های تصمیم‌گیری و مشاوره‌ای توسط دولت‌ها، اتحادیه‌های تجاری، اتاق‌های صنعت و بازرگانی و با تشویق به دسترسی به اطلاعات راجع به زنان واجد شرایط برای انتصاب در پست‌های تصمیم‌گیری ارشد و سیاست‌گذاری و مشاوره، تضمین شود:



۴- باید فرصت‌هایی از جمله آموزش برای جوانان مهیا شود تا بتوانند خود را برای نقش راهبری در آینده مهیا کنند.

اعلامیه‌ی پکن:

چهارمین کنفرانس جهانی زن، ۴ تا ۱۵ سپتامبر ۱۹۹۵، در شهر پکن، پایتخت جمهوری خلق چین، با حضور نزدیک به ۱۷۰۰۰ شرکت‌کننده، از جمله ۶۰۰۰ نماینده از ۱۸۹ کشور جهان، تشکیل شد. دستور کار و برنامه‌ی تشکیل کنفرانس، مسائل و مشکلات بانوان و بررسی اقدامات انجام شده و مرور کنفرانس‌های قبلی، از کنفرانس ناپروبی به بعد، و ارائه‌ی راهبردها و کارپایه‌های عملی جدید بود. مواد ۱۵۰ تا ۱۹۵ این سند به بحث زنان، اقتصاد و مشارکت در برنامه‌ریزی اختصاص دارد. در زیر به مواردی از این مواد و اقداماتی که دولت‌ها و سایر سازمان‌های هر کشور، جهت حصول به اهداف اجلاس، موظف به انجام آن هستند، می‌پردازیم.

الف) اقتصاد:

۱- در بیش‌تر بخش‌های جهان، زنان در تصمیم‌گیری اقتصادی، من جمله در تنظیم خط‌ومشی‌های مالی، پولی، بازرگانی و ... عملاً حضور ندارند یا حضورشان بسیار اندک است؛

۲- بسیاری از زنان به دلیل عواملی چون موقعیت‌های اقتصادی دشوار و عدم‌توان مذاکره درباره‌ی شرایط کار، که ناشی از نابرابری جنسیتی است، ناگزیر شده‌اند به پذیرش مزد کم‌تر و شرایط کاری نامطلوب تن دردهند؛

۳- عدم توجه کافی به تحلیل جنسیتی به این معنی بوده است که خدمات و امور زنان همچنان در غالب موارد در ساختارهای اقتصادی مانند نهادها و بازارهای مالی، بازارهای کار، علم اقتصاد به عنوان یک رشته‌ی دانشگاهی، زیرساخت اقتصادی و اجتماعی، نظام مالیاتی و تأمین اجتماعی و نیز درون خانواده‌ها نادیده گرفته می‌شود و در نتیجه بسیاری از خط‌ومشی‌ها و برنامه‌ها ممکن است کماکان به نابرابری‌های میان زنان و مردان کمک کنند؛

۴- عالمگیر شدن اقتصاد، از جمله یکپارچگی اقتصادی، در عین حال می‌تواند موجب فشارهایی بر موقعیت اشتغال زنان شود تا از آنجا که الگوهای تجارت در حال دگرگونی است، خود را با شرایط نوین سازگار سازند؛

۵- زنان، به ویژه آنان که سرپرستی خانوارهایی با فرزندانی خردسال را به عهده دارند، به دلایلی نظیر شرایط انعطاف‌ناپذیر کار و مشارکت نابرابر مردان و جامعه در مسئولیت خانواده، فرصت‌های اشتغال محدودی دارند؛

۶- در کشورهایی که دستخوش دگرگونی بنیادین سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هستند، چنانچه از مهارت‌های زنان بهره‌برداری بهتری شود، می‌تواند منشاء خدمات عمده‌ای برای حیات اقتصادی این‌گونه کشورها باشد؛

۷- در بخش خصوصی و در مؤسسات ملی و فرا ملی، زنان عمدتاً در سطوح

مدیریت و سیاست‌گذاری حضور ندارند. هنگامی که زنان به سرمایه، اعتبارات و منابع دیگر، تکنولوژی و پرورش دسترسی داشته باشند و کنترل خود را بر آن‌ها اعمال کنند، می‌توانند تولید، فروش و درآمد را جهت توسعه‌ی پایدار افزایش دهند.

اهداف:

۱- ارتقای حقوق و استقلال زنان، از جمله دسترسی آنان به اشتغال، شرایط مناسب کار و اعمال کنترل بر منابع؛

۲- تسهیل دسترسی برابر زنان به منابع، اشتغال، بازارها و تجارت؛

۳- تأمین خدمات تجاری، پرورش و دسترسی به بازارها، اطلاعات و تکنولوژی، به ویژه جهت زنان کم‌درآمد؛

۴- تقویت توان اقتصادی و شبکه‌ی بازرگانی زنان؛

۵- امحای جداسازی شغلی و جمع‌صور تبعیض در اشتغال؛

۶- ارتقای هماهنگ‌سازی کار و مسئولیت‌های خانوادگی برای زنان و مردان.

اقداماتی که باید انجام شود:

در زیر به بعضی از اقدامات عملی که در این سند ارائه شده است می‌پردازیم:

۱- وضع و اجرای قوانینی به منظور تضمین حقوق زنان و مردان، در دریافت مزد برابر در ازای کار برابر یا کار هم‌ارزش؛

۲- تدبیر مکانیسم‌ها و اتخاذ اقدام مثبت به منظور توانمندسازی زنان در حصول مشارکت کامل و برابر در تنظیم خط‌ومشی‌ها و تعیین ساختارها، از طریق هیئت‌هایی مانند وزارتخانه‌های دارایی و بازرگانی، کمیسیون‌های اقتصادی ملی، مؤسسات پژوهش اقتصادی و دیگر کارگزاری‌های کلیدی و نیز از طریق مشارکت زنان در هیئت‌های بین‌المللی مقتضی؛

۳- اهتمام به اصلاحات تقنینی و اداری؛ بدین منظور که حقوق زنان نسبت به منابع اقتصادی، از جمله دسترسی به مالکیت و کنترل زمین و دیگر صور اموال، اعتبارات و میراث‌بری، منابع طبیعی و تکنولوژی نوین، برابر با مردان، تأمین شود؛

۴- برقراری مکانیسم‌ها و تدابیری دیگر بدین منظور که زنان صاحب‌بنگاه‌های اقتصادی و زنان کارگر در تنظیم خط‌ومشی‌ها و برنامه‌هایی که وزارتخانه‌های اقتصادی و نهادهای مالی تهیه می‌کنند، سهیم باشند؛

۵- تحلیل، مشاوره، هماهنگی و اجرای خط‌ومشی‌هایی که نیازها و منافع زنان شاغل، خودبیشه و بنگاه‌ور را در بودجه‌ها، برنامه‌ها و خط‌ومشی‌های بین وزارتخانه‌ها و بخش‌های مختلف می‌گنجانند؛

۶- افزایش مشارکت زنان در هیئت‌های مشورتی برای توانمندسازی زنان بنگاه‌ور همه‌ی بخش‌ها و سازمان‌های آنها، به منظور مشارکت در تنظیم و بازرنگری خط‌ومشی‌ها و برنامه‌هایی که توسط وزارتخانه‌های اقتصادی و نهادهای بانکی تمهید می‌شوند؛

۷- تمهید ترتیبات انعطاف‌پذیر تأمین وجوه، به منظور تأمین مالی نهادهای میانجی که به فعالیت‌های اقتصادی زنان می‌پردازند و ارتقای خودکفایی و توان بیش‌تر و سودآوری بنگاه‌های اقتصادی زنان؛

۸- تمهید برنامه‌هایی به منظور تأمین پرورش و بازرپوری، به ویژه در زمینه‌ی تکنولوژی‌های نوین، و خدمات متناسب با استطاعت زنان در مدیریت بازرگانی، توسعه‌ی محصولات، تأمین مالی، تولید و کنترل کیفیت، بازاریابی و جنبه‌های حقوقی بازرگانی؛

۹- تأمین پرورش در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه‌های گوناگون مهارت‌های فنی و مدیریت مالی و تجاری به منظور افزایش توان زنان، به ویژه زنان جوان، جهت مشارکت در تصمیم‌گیری اقتصادی در سطوح مذکور؛

۱۰- استخدام زنان جهت مشاغل رهبری، تصمیم‌گیری و مدیریت و تأمین برنامه‌های پرورشی، کلاً بر مبنای برابری با مردان.

ب) زنان در قدرت و تصمیم‌گیری:

۱- اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر بیان می‌کند که هر شخصی، از حق مشارکت در حکومت کشور خود برخوردار است. توانمندسازی و خودمختاری زنان و بهسازی منزلت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آنان برای حصول حکومت و دولتی که عملکردش از شفافیت برخوردار باشد و نسبت به آن پاسخگو باشد و نیز برای حصول توسعه‌ی پاینده در همه‌ی عرصه‌های زندگی امری حیاتی است. مشارکت برابر زنان در تصمیم‌گیری صرفاً درخواست اعمال ساده‌ی عدالت یا دموکراسی نیست بلکه آن را می‌توان شرط لازم منظور کردن منافع زنان دانست. بدون شرکت فعال زنان و گنجاندن دیدگاه

آنان در کلیه ی سطوح تصمیم‌گیری، اهداف برابری، توسعه و صلح قابل دستیابی نیست؛

۲- زنان، با آنکه حداقل نیمی از رأی‌دهندگان را در همه ی کشورها تشکیل می‌دهند و تقریباً حق رأی و احراز مقام را در تمامی کشورهای عضو سازمان ملل متحد به دست آورده‌اند، همچنان حضورشان در میان نامزدان احراز مناصب دولتی، بسیار اندک است. زنانی که در سیاست فعالند یا در مقام‌های تصمیم‌گیری دولت و هیئت‌های مقننه حضور دارند به تنظیم مجدد اولویت‌های سیاسی یاری می‌کنند و موارد تازه‌ای را در دستور کار سیاسی گنجانده‌اند که امور خاص جنسیتی، ارزش‌ها و تجارب زنان را منعکس می‌سازند و به آن‌ها می‌پردازند و در امور سیاسی اصلی جامعه عرضه‌کننده‌ی دیدگاه‌های نوینی شده‌اند؛

۳- زنان در سازمان‌های غیررسمی و درون اجتماع و نیز در مقامات عمومی، قدرت رهبری قابل ملاحظه‌ای به منصفی ظهور رسانده‌اند. کمبود حضور زنان در مقامات تصمیم‌گیری در عرصه‌های هنر، فرهنگ، ورزش، رسانه‌ها، آموزش، دین و قضاوت مانع از آن شده است که تأثیر تعیین‌کننده‌ی بر بسیاری از نهادهای کلیدی برجا بگذارد؛

۴- نسبت نازل در میان تصمیم‌گیران اقتصادی و سیاسی در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بازتاب موانع ساختاری و نگرشی است که باید از طریق اقدامات مثبت به مقابله با آنها برخاست. دولت‌ها، مؤسسات ملی و فراملی، رسانه‌های گروهی، بانک‌ها، نهادهای علمی و دانشگاه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، از جمله نهادهای درون سازمان ملل متحد، از استعداد‌های زنان به عنوان مدیران، سیاست‌گذاران، دیپلمات‌ها و مذاکره‌کنندگان سطوح بالا به طور تام و تمام سود بر نمی‌گیرند؛

۵- در مقابله با نابرابری زنان و مردان در مشارکت در همه‌ی سطوح قدرت و تصمیم‌گیری دولت‌ها و اقدام‌کنندگان دیگر باید خط مشی فعال و نمایانی پدید آورند که دیدگاه جنسیتی را در همه‌ی خط‌مشی‌ها و برنامه‌ها به صورت جریان عمده درآورد تا پیش از اتخاذ تصمیمات، تحلیلی از اثرات آن‌ها بر زنان و مردان، به طور جداگانه، انجام پذیرد.

اهداف:

۱- اتخاذ اقداماتی جهت تضمین دسترسی برابر زنان و مشارکت کامل آنان در ساختارهای قدرت و تصمیم‌گیری؛

۲- افزایش توانایی زنان در راستای مشارکت در تصمیم‌گیری و رهبری.

اقداماتی که باید اتخاذ شود:

۱- اتخاذ اقدامات، از جمله در موارد مقتضی در نظام‌های انتخاباتی به منظور ترغیب احزاب سیاسی و گنجاندن زنان در مقام‌های عمومی انتخاباتی و غیرانتخاباتی به نسبت و در سطوح مردان؛

۲- ترغیب دخالت بیش‌تر زنان بومی در جمع‌رده‌های تصمیم‌گیری؛

۳- بررسی تحقیق در مورد ساختارها و کار شیوه‌های حزبی برای حذف کلیه‌ی موانعی که مستقیم یا غیرمستقیم علیه زنان ایجاد تبعیض می‌کند؛

۴- بررسی تمهید تدابیری که امکان دهد زنان در کلیه‌ی ساختارهای داخلی تصمیم‌گیری و فرآیندهای تعیین‌کننده‌ی انتخاباتی یا انتصابی نامزدها به طور کامل مشارکت کنند؛

۵- اتخاذ اقدام مثبت در ایجاد جمع‌خطری از رهبران، مقامات عالی‌اجرابی و مدیران زن در مقام‌های استراتژیک تصمیم‌گیری؛

۶- ایجاد (یا به نحو مقتضی) تقویت مکانیسم‌هایی به منظور نظارت بر دسترسی زنان به سطوح ارشد تصمیم‌گیری؛

۷- تجدید ساختار برنامه‌های استخدام و توسعه‌ی شغلی به منظور حصول اطمینان از این امر که جمیع زنان به پرورش در زمینه‌های مدیریت، بنگاه‌وری، فنون و رهبری، از جمله پرورش در حین کار، دسترسی دارند؛

۸- تداوم و گردآوری و اشاعه‌ی داده‌های کمی و کیفی درباره‌ی مشارکت زنان و مردان در تصمیم‌گیری و تحلیل تأثیر متفاوت آنان بر تصمیم‌گیری و نظارت بر پیشرفت حصول هدف؛

۹- داشتن ملاک‌های روشن و قطعی برای مقام‌های تصمیم‌گیری و حصول اطمینان از این که هیئت‌های گزینش از حیث جنسیت ترکیب متوازنی دارند؛

۱۰- تمهید مکانیسم‌ها و پرورشی که زنان را برانگیزد تا در فرآیندهای انتخاباتی، فعالیت‌های سیاسی و دیگر عرصه‌های رهبری مشارکت کنند.

اجلاس ویژه‌ی مجمع عمومی سازمان ملل (پکن ۵+):

اجلاس ویژه‌ی مجمع عمومی سازمان ملل در تاریخ ۵ الی ۹ ژوئن ۲۰۰۰ در مقر سازمان ملل در نیویورک آمریکا تشکیل شد. این اجلاس به منظور مرور و ارزیابی پیشرفت‌های به دست آمده در اجرای راهبردهای آینده‌نگر نایروبی برای پیشرفت زنان و کارپایه عمل پکن و همچنین بحث و تبادل نظر در مورد انجام اقدامات و نوآوری‌های بیش‌تر در این زمینه تشکیل شد. هدف این اجلاس از انجام این مرور، نه مذاکره‌ی مجدد بر سر ترتیبات اتخاذ شده‌ی فعلی، که ارزیابی موفقیت‌ها، ناکامی‌ها و موانع موجود در راه اهداف تعیین شده در نایروبی و پکن بود. در نتیجه در این سند، در مورد مباحث کنفرانس‌های گذشته، دو بخش دستاوردها و موانع مورد بررسی قرار گرفته که مطالب مورد نظر در مورد زنان، اقتصاد و برنامه‌ریزی در زیر آمده است:

۱- زنان و اقتصاد:

الف) دستاوردها: مشارکت فزاینده‌ی زنان در بازار کار، باعث استقلال اقتصادی آنان شده است. برخی از دولت‌ها اقدامات متنوعی را آغاز کرده‌اند که به حقوق اجتماعی و اقتصادی زنان، دسترسی برابر آنان به منابع اقتصادی و کنترل بر آن‌ها و برابری در اشتغال توجه دارد. تاکنون اقدامات دیگری، از جمله تصویب پیمان‌های بین‌المللی کار و نیز وضع یا تقویت قوانینی در انطباق با این پیمان‌ها، صورت گرفته است. آگاهی فزاینده‌ی نسبت به لزوم آشتی دادن اشتغال و مسئولیت‌های خانوادگی و آثار مثبت اقداماتی نظیر: دادن مرخصی زایمان به مادران و پدران و مرخصی والدینی، و نیز ارائه‌ی خدمات مزایای مراقبت از فرزند و خانواده پدید آمده است. برخی از دولت‌ها، تمهیداتی برای پرداختن به رفتارهای سوءاستفاده‌جویانه و تبعیض‌آمیز در محیط کار و ممانعت از شرایط ناسالم کاری پیش‌بینی کرده‌اند و سازوکارهای مالی را برای ارتقای نقش زنان در عرصه‌ی کارآفرینی، آموزش و تعلیم، از جمله مهارت‌های علمی و فنی و تصمیم‌گیری ایجاد کرده‌اند. علاوه بر این، تحقیقاتی نیز درباره‌ی موانع توانمندسازی اقتصادی زنان، از جمله رابطه‌ی بین کار با مزد و بی‌مزد، انجام شده و ابزارهایی برای کمک به انجام این ارزیابی طراحی شده است.

ب) موانع: اهمیت وجود یک دورنمای جنسیتی در طراحی سیاست کلان اقتصادی هنوز کاملاً مورد پذیرش قرار نگرفته است. بسیاری از زنان کماکان در مناطق روستایی و اقتصاد غیررسمی به عنوان تولیدکنندگان معاش و در بخش خدمات با درآمد‌های پایین و امنیت شغلی و اجتماعی اندک، مشغول به کار هستند. بسیاری از زنان شاغل در بخش رسمی با داشتن تجارب مشابه با مردان، با یک شکاف جنسیتی در دست‌مزد روبه‌رو هستند و به لحاظ درآمد و تحرک شغلی عقب‌تر از آنان قرار دارند. پرداخت مزد مساوی به زنان و مردان در ازای کار مساوی یا کاری با ارزش برابر، هنوز کاملاً محقق نشده است. تبعیض جنسیتی در استخدام و ارتقای شغلی و اعمال تبعیض در ارتباط با بارداری زنان، از جمله انجام آزمایش حاملگی و همچنین جنسی، در محیط کار همچنان وجود دارد. در برخی از کشورها، حقوق کامل و برابر زنان نسبت به مالکیت زمین و سایر دارایی‌ها، از جمله حق ارث، حتا در قوانین ملی نیز به رسمیت شناخته نشده است. پیشرفت حرفه‌ای زنان، در اغلب موارد، به سبب فقدان ساختارها و اقداماتی که برای مسئولیت‌های مادری و خانوادگی اهمیت قائل شود، همچنان دشوارتر از مردان است. در برخی از موارد، کلیشه‌های دیروپای جنسیتی منجر به قرار گرفتن مردان کارگر در موقعیت اجتماعی پایین‌تر و در نتیجه، دلگرمی اندک برای آشتی بین مسئولیت‌های شغلی و خانوادگی شده است. همچنین فقدان سیاست‌های دوستدار خانواده در سازمان کار، این مشکلات را افزایش می‌دهد. میزان اجرای مؤثر قوانین و نظام‌های علمی حمایتی همچنان ناکافی است. تا زمانی که مردان، مشارکت کافی در انجام وظایف و مسئولیت‌ها نداشته باشند، اختلاط کار بی‌مزد و مسئولیت مراقبت از کودکان در خانواده‌ها و جوامع همچنان باعث ایجاد فشار نامتناسب کار بر زنان می‌شود. زنانی وجود دارند که بخش بیش‌تر کار بی‌مزد را انجام می‌دهند.

۲- زنان در قدرت و تصمیم‌گیری:

الف) دستاوردها: اکنون پذیرش رو به رشدی در جامعه در زمینه‌ی اهمیت مشارکت کامل زنان در تصمیم‌گیری و قدرت در همه‌ی سطوح و در تمام عرصه‌ها از جمله عرصه‌های بین‌المللی، دولتی و غیردولتی به وجود آمده است. در برخی از کشورها زنان حتا به مقام‌های بالاتری در این عرصه‌ها رسیده‌اند. تعداد روزافزونی از کشورها دست به